

چرا تلویزیون از روایت واقعه عصر جمعه عقب ماند

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
تهران ۳۰۰۰ تومان  
شهرستان‌ها و واحدهای  
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

## پخش HD محتوا آنالوگ



۱۳، ۱۲

# طرح ایران برای خروج از تله انفعال هسته‌ای

مجلس دوفوریت طرحی را تصویب کرد که مطابق آن محدودیت‌های شدید هسته‌ای لغو می‌شود  
این اولین واکنش تهران به جنایت اخیر است

۲

خودروهای بالای ۲۲۰ میلیون برای بیمه شخص ثالث نامتعرف محسوب می‌شوند



### بیمه‌ها معاف از خسارت واقعی به ۷۰ درصد خودروها

۱۸

نگاه مجلس یازدهم به افغانستانی‌ها چگونه است؟

### طرحی که بوی برادری نمی‌دهد

۱۶

روایت دکتر طهرانچی از شخصیت علمی و مدیریتی شهید فخری زاده

### شهریاری و علی محمدی مجدوب او بودند



۱۳

یادداشت

## آنچه درباره «گنجینه خواف» نمی‌دانیم



محسن اسماعیلی  
استاد دانشگاه تهران و نماینده مجلس خبرگان رهبری

شهید سیدحسن مدرس از موثرترین و هوشمندترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است که به شهرت، سوگمندان و همچنان ناشناخته‌هایی مانده است. یکی از منابع اصیل و خواندنی که هم‌زمان می‌تواند روزنه‌ای برای شناخت اجمالی چهره علمی و نیز عظمت روح و میزان بزرگ‌منشی و فداکاری وی باشد، کتاب «گنجینه خواف» است.

«خواف» اشعار به نام یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که در ۲۵۰ کیلومتری جنوب غربی مشهد واقع است. زندگی سراسر مبارزه و فداکاری مدرس، با یک دوره طولانی از تبعید و حبس در این شهر کوچک به پایان می‌رسد؛ به تعبیر خود او: «در محبسی که مسلمان نشود و کافر نبیند.»

مدرس می‌گوید: «در دالانچه‌ای که تقریباً دو ذرع و چهار یک، در یک ذرع و چهار یک بود، گلیجه‌ای تقریباً دو ذرع در یک ذرع انداخته با پوستین نموداری که داشتم در آنجا منزل کردم و اغلب اوقات درب آن دالانچه باز نبود. در امور زندگی هم فقط اسم نان و آبی برده می‌شد.»

از نظر بهداشت و نظافت نیز «نوابی»، یکی از مأموران سرشناس نظمیه وقت گفته است: «به دیدن او به خواف رفتم. یک چشمش نابینا شده و موی سر و ریشش دراز و ژولیده و پشت او خمیده بود.» مدرس خود در جایی از این کتاب می‌نویسد: «تقریباً یکسال است که سرم تراشیده نشده...» و در مناجات شبانه‌اش می‌گوید:

«الهی! من یک نفر شخص عادی بیش نیستم. من کجا و این همه ناملایمات کجا؟! با این حال، خودش می‌نویسد: «از جمله اعمالی که در مدت حبس، تکرار آن را روز و شب اهمیت می‌دادم، سجده شکر بود.»

این دوره، ۹ سال و یک ماه و ۲۴ روز، به درازا کشیده و با شهادت مدرس خاتمه یافته است. در غالب این مدت، مأموران و زندانبانان، بنا به دستور باوی سخت می‌گرفته‌اند؛ تاجایی که به آنان می‌گوید: «اگر مقصود تلف کردن من است، چرا این رویه و تزیینات غیرمرسوم و غیرعادی را پیش گرفته‌اید که مرا زجر کش کنید؟!»

شهید مدرس می‌گوید مأموران که معتاد هم بودند، «خیلی نادار به من سرکشی می‌کردند. در امور و معیشت من هم حتی آب و نان، بسا می‌شد که از موقع خود به تأخیر میقتاد.» تا اینکه از بخت خوش، یکی از دو مأمور معتاد جای خود را به مأمور جدیدی به نام «ناصرقلی خان جوانشیری» می‌دهد، و مدرس او را «اهل فضل و کمال» و دارای استعداد می‌بیند، به درخواست او مینی‌تر تدریس معقول و عرفان پاسخ مثبت می‌دهد!

این شهید سعید می‌گوید: «ناصرقلی خان چند روز بعد از ورود، اظهار اشتیاق به مذاکره علمی نمودند. سوال کردم از چه مقوله‌ای؟ گفتند: «از عرفان و معقول... این مساله خیلی موجب حیرت شد، ولی چون دیدم که بذر کمال در او هنوز نپوسیده و در مقام نواست... بنابراین می‌باشم که شروع کرده به قدر استعداد، این بذر کشته در قلب ایشان را آبیاری کنم. شب‌ها، الانادار، بعد از فراغ از نماز و اعمال مرتبه، تقریباً شبی دو ساعت قبل از صرف شام مشغول حال و قال می‌شدم...»

محور خودشناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و خداشناسی است که نشان از عمق بینش و مقام بلند علمی و معنوی آن بزرگوار است.

علاوه بر این درس‌ها، بخش نخست کتاب، یادداشت‌های روزانه شهید مدرس است که آن هم از جهات گوناگون خواندنی و درس آموز است و در خلال آنها موضوعات و نکات مهمی یافت می‌شود که در سایر منابع نیست؛ مانند تفسیر شهید مدرس از عبارت معروف «آلتاس علی دین ملوکیم» یا نظر او راجع به مجازات زندان در اسلام و آثار آن. داستان پیدایش این نوشته‌ها نیز به نوبه خود شنیدنی است. ظاهراً مدرس آنها را به یکی از مأموران می‌دهد تا به تهران و به دست فرزندش برساند. به هر دلیل این اتفاق نمی‌افتد، و بعدها معلوم می‌شود «دکتر مهدی ملک‌زاده»، طبیب وقت ژاندارمری، یادداشت‌ها را از شخصی که آن را در اختیار داشته خریداری کرده و سپس نزد وراثت اوباقی مانده است.

سال‌های سال بود که محققان از وجود چنین گمشده‌ای، البته با نام‌های مختلف یاد می‌کردند؛ بدون اینکه کسی از سرنوشت آن خبر داشته باشد؛ تا اینکه نوه دکتر ملک‌زاده، یعنی خانم دکتر شیرین بیانی، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ پاکت سرپیسته‌ای را میان اشیای بازمانده از پدر بزرگ خود می‌یابد که روی آن نوشته شده بود: «یادداشت‌های مربوط به مدرس.»

ایشان پاکت مزبور را برای تحقیق و بررسی به «دکتر نصرالله صالحی» می‌سپارند و در نتیجه معلوم می‌شود «محتویات درون پاکت، در واقع همان دست‌نوشته‌های مرحوم مدرس در دوران حبس و تبعید در خواف است که در برخی منابع به آن اشاره شده و تاکنون محل نگهداری آن معلوم نبوده است و برخی احتمال از بین رفتن آن را می‌دادند.»

خوشبختانه این کتاب در سال ۱۳۸۵ با نام «گنجینه خواف» (مجموعه درس‌ها و یادداشت‌های شهید سیدحسن مدرس در تبعید) برای نخستین بار به همت انتشارات طهوری منتشر شده است. این کتاب را سال‌ها پیش خوانده و به تازگی بازخوانی کرده‌ام. در سال‌گرد شهادت این اسطوره دینی و سیاسی میهن عزیزمان ایران، به سهم خود از همه آنان که در آماده‌سازی و نشر «گنجینه خواف» زحمت کشیده‌اند، سپاسگزارم و خواندن این کتاب را به شما نیز توصیه می‌کنم.

### انا لله و انا الیه راجعون

خبر تاسف‌بار درگذشت **حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمدعلی شهیدی محلاتی** که عمر شریف خویش را همواره در مسیر خدمت به مردم و نظام سپری نمود، موجب تأثر فراوان گردید.

ایشان در مسئولیت‌های مختلف اجرایی و به‌ویژه در دوره‌ای که ریاست بنیاد شهید و ایثارگران را بر عهده داشتند همواره منشاء خدمات ارزشمند و ماندگاری بودند. این مصیبت بزرگ را به بیت معظم تسلیت عرض می‌نمایم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و غفران واسعه الهی و برای خانواده محترم و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی

نخستین رویداد ملی رقابت تیم‌های دانشجویی در کرسی‌های آزاداندیشی

## کرسی‌های آزاداندیشی



دانشگاه آزاد اسلامی  
استان تهران



معاونت فرهنگی دانشجویی  
دانشگاه آزاد اسلامی

در حوزه‌های

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنر، معماری، شهرسازی و سلامت

اعطای جوایز نفیس به تیم‌های منتخب

مهلت ثبت نام: ۹۹/۱۰/۱۵  
اختتامیه اردیبهشت ۱۴۰۰  
نحوه ثبت نام: مراجعه به سایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد یا مرکز محل تحصیل

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت معاونت فرهنگی و دانشجویی [www.farhangi.iau.ir](http://www.farhangi.iau.ir) مراجعه فرمایید.